

## معرفت به امام زمان، در بیان حضرت رضا(ع)

خطبه و روایت منسوب به حضرت رضا(ع) درباره چگونگی معرفت به امام، سرشار از مضامین عالی در این حوزه معرفتی است...



خطبه و روایت منسوب به حضرت رضا(ع) درباره چگونگی معرفت به امام، سرشار از مضامین عالی در این حوزه معرفتی است.

در میان کلمات نورانی ائمه معصومین پیرامون معرفت امام و امامت، حدیث معروف و مبسوط و جامع وجود مقدس حضرت ثامن الحجج امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحية و الثناء) است که از غرر احادیث در این موضوع می باشد. این حدیث شریف را مرحوم کلینی در کتاب اصول کافی، و مرحوم شیخ صدوق در کتاب های اکمال الدین، معانی الاخبار و عیون اخبار الرضا، و مرحوم فیض در کتاب شریف وافی آورده اند.

این حدیث نورانی، از کتاب نفیس و گرانبسنگ اصول کافی را در چند بخش، به پیشگاه همه راهیان کوی امامت و تشنگان زلال ولایت تقدیم می کنیم.

امامت و جایگاه آن

عبدالعزیز بن مسلم می گوید: ما در مرو به همراه امام رضا بودیم. یک روز در مسجد جامع آن گرد آمده بودیم. مردم درباره امامت با هم گفتگو می کردند اختلاف نظر فراوانی که در آن است یادآور شدند. من خدمت آقا و مولایم امام رضا رسیدم، و گفتگوی مردم در امر امامت را به آن حضرت اعلام کردم. امام تبسم فرموده و لیخندی زد.

سپس فرمود: ای عبدالعزیز، مردم جاهلند و در دین خود فریب خوردند. خدای عزوجل پیامبرش را قبض روح نکرد تا اینکه دین خود را به وسیله او کامل کرد و قرآن را بر او نازل نمود که بیان هر چیزی در آن هست. حلال و حرام و حدود و احکام و هر آنچه مردم به آن نیازمندند به طور کلی در آن بیان کرده است.

سپس حضرت به آیه ای از قرآن کریم استشهد می فرماید. و خداوند فرمود: ما چیزی را در آن کم نگذاریم. و خداوند در حجةالوداع - که پایان عمر پیامبر بود. - به آن حضرت این آیه را نازل فرمود: «امروز دین خود را برای شما کامل کردم، ونعمتم را بر شما تمام نمودم، و راضی گردیدم که اسلام دین شما باشد» و امر امامت از کمال دین است.

رسول خدا از دنیا رفت تا اینکه رسالتش را ایفا نمود و برای امتش سه چیز را تبیین فرمود: نشانه های دین را برای امت خود بیان کرد، راه را برای آنها روشن نمود، و آنها را به راه راست گماشت، و عاقبت، علی را سرور و امام آنها نمود، و چیزی که امت به آن نیازمند باشند به جا نگذارد جز اینکه بیان کرد.

آنچه که سرالت حضرت بود یعنی آوردن دین، تبیین دین و اجرای دین، آن را ایفا کرد و در راستای اجرای دین، وجود مبارک حضرت امیرالمومنین را به مردم معرفی فرمود.

هر که پندارد که خدا دینش را کامل نکرده، کتاب خدا یعنی قرآن را رد نموده و هر که کتاب خدا را رد کند کافر است. آیا مردم قدر و جایگاه رفیع امامت را در امت فهمیدند تا انتخاب آنها درباره آن روا باشد و بتوانند برای خود امام انتخاب نمایند؟ انتخاب امام توسط مردم متوقف بر این است که آنها جایگاه و مقام امامت، و منزلت و مرتبه اما را بشناسند، و حال آنکه عقل و فهم بشر کوتاه تر از «است که مقام و جایگاه رفیع او را درک کند!

سپس امام در تبیین مقام امامت و عدم توانایی بشر بر معرفت امام می فرمایند: همانا مقام و منزلت امام بزرگتر، و شان آن عظیم تر، و جایگاه آن عالی تر، و موقعیت آن منبع تر، و عمق آن وسیع تر از آن است که قول بشری به آن راه یابد و آراء مردم به آن دست یابد و بتوانند امام را انتخاب نمایند.

امامت مقامی است که خداوند آن را مخصوص ابراهیم ساخت. پس از درک مقام نبوت و خلت، و آن را درجه سوم او نمود، و وی را بدان شرافتمند کرد (بعد از مقام نبوت و خلت، به امامت رسید) و نامش را به وسیله امامت بلند و استوار کرد.

خداوند فرمود: «و آنگاه که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی آزمود و ابراهیم آنها را درست ادا نمود، فرمودش: راستی من تو را برای مردم امام قرار دادم». حضرت خلیل اس سرور و شادمانی رسیدن به این مقم، عرض کرد: «آیا فرزندان من هم سهمی از این مقام دارند؟» خداوند فرمود: «فرمان و عهد من به ستمکاران نرسد».

این آیه امامت هر ظالمی را تا روز قیامت باطل کرد و آن را مخصوص برگزیده ها نمود.

سپس خدای سبحان به ابراهیم اکرام نمود و امامت را در نژاد برگزیده های پاک او گذاشت و فرمود: «و اسحاق و یعقوب را به او - یک عنیمتی - بخشیدیم و همه را نیکو قرار دادیم؛ و آنان را امامانی ساختیم که به فرمان ما رهبری کنند، و کارها خیر و برپا داشتن نماز و دادن زکات را به آنها وحی کردیم و آنها عبادت کنندگان ما بودند».

و پیوسته امامت در ذریه و نژاد او قرار گرفت و قرن به قرن از یکدیگر به ارث بردند تا اینکه به وجود مبارک پیامبر به عنوان ذریه و

وارث ابراهیم رسید. پس خداوند فرمود: «همانا شایسته ترین مردم به ابراهیم همان کسانی اند که پیرو او بودند» و این پیامبر و آنها که گرویدند امامت مخصوص آنان بود.

سپس وجود مبارک پیامبر آن (امامت) را به علی دادند. امر امامت جزء ذریه امیرالمومنین گردید، آن ذریه ای که خداوند به آنها علم و ایمان داده بود که در این آیه شریفه به آنها اشاره فرمود: و گفتند آن کسانی که علم و ایمان به آنها داده شد: همانا در تکاب خدا درنگ کردید تا روز رستاخیر، این روز رستاخیر است اما شما نمی دانید». به همان روشی که خدا آن را جاری کرد و در فرزندانش (علی علیه السلام) تا روز قیامت مقرر داشت. زیرا پس از محمد پیامبر نیست.

مردم جاهل چه می فهمند که بخواهند و بتوانند امام را انتخاب کنند؟! منبع: آینده روشن